

## تأثیر انگیزه‌های نسخه‌نویسان در اعمال تصرفات عامدانه در متون و آثار روایی

مهدی ایزدی<sup>۱</sup>

حسین شجاعی<sup>۲</sup>

چکیده

نسخه‌نویسان سهمی بسزا در انتقال آثار حدیثی دارند. نقش آن‌ها را به شکل ساده‌انگارانه همچون یک دستگاه کپی نباید در نظر گرفت، بلکه آن‌ها افرادی صاحب اختیار در مواجهه با متون هستند. نسخه‌نگاران در بسیاری از موارد ناظر به انگیزه‌هایی که از استنساخ در سر داشته‌اند، گاه از روی عمد تصرفاتی در متن پدید می‌آورده‌اند. این مقاله ناظر به موضوع ذکر شده با استفاده از روش کتابخانه‌ای پی‌جوی این تصرفات بوده تا مشخص نماید. این تغییرات عامدانه چند دسته بوده‌اند، با کدام انگیزه‌ها انجام شده‌اند و چه تبعاتی را به همراه داشته‌اند؟ در نهایت مشخص شد که تصرفات عامدانه نسخه‌برداران مجموعاً به چهار دسته تقسیم می‌گردد که معمولاً با انگیزه تکمیل، تغییر، تلخیص و یا خلق اثر جدید است. تبعاتی که از این تصرفات نیز پدید آمده است، بر خلاف تصور رایج، همواره از نوع تصحیف نیست، بلکه در بسیاری از موارد منجر به تحریف اثر گردیده است.

کلیدواژه‌ها: استنساخ، نسخه‌نویس، آثار حدیثی، تصرفات عامدانه.

### طرح مسئله

چاپ و نشر در جهان امروز موقعیتی متفاوت با استنساخ کتاب در گذشته دارد. امروزه به تاسی از گفتمان موجود، هر تألیفی، شناسنامه‌ای دارد که در آن تمامی دست‌اندرکاران به همراه وظایفشان معرفی می‌گردند. برخلاف امروز، در گذشته چنین شیوه‌هایی نزد

۱. استاد تمام علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (علیه السلام) (dr.mahdi.izadi@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران (shojaeihosein030@gmail.com).

نسخه نویسان رایج نبود. در رایج نبودن چنین امری همین بس که با مراجعه به *الدریعة* یا *كشف الظنون* می توان حجم بسیار زیادی از نسخ خطی را دید که فاقد نام نویسنده اند. از سوی دیگر، امروزه ناشر فقط به عنوان مؤسسه ای برای چاپ آثار شناخته می شود و اجازه هیچ گونه دخل و تصرف محتوایی را در اثر جز با اجازه نویسنده ندارد؛ در حالی که ناسخ، بر پایه اختیارات خود، بعضاً تا حد تغییر محتوا پیش می رفته است؛ چنان که در برخی از آثار تک تحریره - که نسخه های متعددی از آن بر جای مانده - شاهد تفاوت های فراوانی در محتوای ارائه شده هستیم که به صورت قطع، بیشترین تفاوت ها ناشی از دخالت های محتوایی ناسخ در اصل متن است.

امروزه به سبب توسعه فروانی که در زمینه انتشار آثار پدید آمده، حقوق مشخصی برای مؤلف و ناشر تعیین گردیده است. اولین زمینه های تعیین این ضوابط به قرن پانزده میلادی برمی گردد. مفهوم حق مؤلف در انگلیس، پس از این که ویلیام کاکستن<sup>۳</sup> راهکار نشر با حروف چاپی متحرک را در ۱۴۷۶م، ابداع کرد، آغاز شد.<sup>۴</sup> پیش از آن، کتب بر روی پوست و یا کاغذ نگاشته می شد و برای تکثیر آثار، نسخه نویسی به طریق دستی انجام می شد. چاپ با حروف چاپی متحرک، انقلابی در تولید کتاب پدید آورد، زیرا هر اثری را می شد به راحتی به تعداد دل خواه تولید کرد. به مرور زمان صنعت چاپ با تهدیدی جدی روبه رو شد؛ دزدان نشر بدون متحمل شدن هزینه های چاپ اول، آثار را دوباره تولید می کردند. این تهدید زمینه های اولیه تدوین حقوق مؤلف و ناشر را پدید آورد و در سال ۱۷۱۰م، قانون «آن»،<sup>۵</sup> به عنوان نخستین قانون حق مؤلف در انگلیس اجرا شد.<sup>۶</sup> این قانون از منافع ناشران در قبال چاپ، یا تکثیر غیرقانونی آثار به چاپ رسیده برای مدتی محدود، حمایت می کرد. با گذشت زمان، توجه به این حقوق گسترده تر شد و خود باعث شکل گیری پایه ای از مباحث حقوقی ناظر به حقوق مؤلف و ناشر گردید.

با توجه به تاریخچه ای که ذکر شد، با سؤالی مهم روبه رو هستیم: آیا پیش از این دوران، ضوابطی برای جلوگیری از تضییع حقوق معنوی مؤلف وجود داشت؟ و یا اساساً آیا در گذشته حقوق معنوی مؤلف به عنوان حقی طبیعی پذیرفته شده بود؟ یافتن پاسخی تفصیلی برای این سؤال نیازمند تحقیقی وسیع درباره حد و مرز حقوق ناسخ و مؤلف در حوزه

3. William Caxton.

۴. مدخل «حق مؤلف» دائرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، ج ۱، ص ۷۵۵.

5. Statute of Anne.

۶. کپی راییت در کشورهای پیشرفته، ص ۵.

استنساخ است اما به طور اجمالی باید گفت که در دوران گذشته در بسیاری از مواقع وظیفه ناسخ و نویسنده با یکدیگر همپوشانی پیدا می‌نمود و دقیقاً بنا بر انگیزه‌هایی که ناسخ دنبال می‌کرده است، گاهی در قالب نویسنده ایفای نقش نموده و به خود اجازه دخل و تصرف در محتوای اثر می‌داد. چنین برخوردی در همه جا یکسان نبود، بلکه در شرایطی این دخل و تصرفات به حداقل می‌رسید؛ و بنا بر شرایطی نیز، امکان بروز حداکثری دخل و تصرف وجود داشت. هر چند صحبت از نقش ناسخ در متن آثار، بخش قابل ملاحظه‌ای را در علوم حدیث به خود اختصاص داده است، اما باز هم به سبب دوری گفتمان عصر حاضر نسبت به دوران نسخه‌نویسی نیاز به بازتحلیل نقش ایشان در تولید متون حدیثی بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. از این رو باید به دنبال توسعه الگوهای این حوزه بود.

در حوزه پیشینه توجه به این امر، نقد متن احمد پاکتچی و یادداشت‌های حسن انصاری مرتبط با این حوزه هستند؛ البته با این ملاحظه که در هیچ کدام از این آثار به طور تفصیلی به طبقه‌بندی انگیزه‌های ناسخان پرداخته نشده است. در کتاب نقد متن بر روی مشکلات مواجهه با آثار متقدم تمرکز شده، اما به طور منسجم از انگیزه‌های ناسخ بحثی به میان نمی‌آید. یادداشت‌ها و مقالات حسن انصاری در وبگاه بررسی‌های تاریخی<sup>۷</sup> نیز با وجود توجه به نسخه‌شناسی و مطالعات موردی در باره تصرفات ناسخان، فاقد الگویی مشخص در این حوزه است. مقاله پیش رو نیز، در ادامه این آثار، با بررسی جایگاه نسخه‌نویسان در انتقال آثار حدیثی، به دنبال انگیزه‌هایی خواهد بود که بر این جریان تأثیر گذاشته است.

## ۱. جایگاه استنساخ در تدوین و انتقال حدیث

اهتمام به استنساخ در علوم حدیث به سبب آن بود که ناسخ واسطه‌ای مهم در میان خواننده و مؤلف محسوب می‌گردید و در نتیجه، اشتباهاتی که از سوی او در متن حدیث صورت می‌پذیرفت، دخالت مستقیمی در ناهمگی و یا فهم اشتباه حدیث داشت.<sup>۸</sup> از این رو در جای جای مباحث علم الحدیث، چه در سطح مستقل و چه در سطح غیرمستقل، ادبیاتی علمی درباره این موضوع شکل گرفت. پرداخت به این مبحث در سطح مستقل در آثاری چون شرح ما یقع فیہ التصحیف و التحریف و همچنین تصحیفات المحدثین از ابواحمد عسکری، تصحیف المحدثین از دارقطنی، التصحیف و التحریف از بلطی، تصحیح

7. <http://ansari.kateban.com/>

۸. التصحیف فی متن الحدیث، ص ۸۷.

التصحیف و تحریر التحریف از صفدی، التطریف فی التصحیف از سیوطی و التصحیفات از محقق داماد قابل پیگیری است. در سطح غیرمستقل نیز در ذیل مباحث مربوط به فقه الحدیث، غریب الحدیث و یا نقد متنی حدیث در آثاری چون الأخبار الدخیلة از شیخ محمد تقی شوشتری، مقباس الهدایة از مامقانی و توضیح المقال از ملا علی کنی می‌توان پیگیر این موضوع بود.

منابعی که درگیر مبحث استنساخ کتب حدیثی هستند، از زاویه‌ای خاص به مسائل مطرح شده در این موضوع می‌نگرند. استنساخ در منظر حدیث پژوهان با خاستگاهی آسیب شناختی همراه است و به شکل معمول ایشان هنگامی سخن از استنساخ و تأثیرات نسخه پرداز بر متن می‌نمایند که به دنبال بیان ایرادهایی باشند که از جانب ناسخ بر متن تحمیل شده است؛ حال، آن که در کنار ابعاد آسیب شناسی موضوع، شناخت دقیق پدیده استنساخ در روشن نمودن حجم وسیعی از مسائل مربوط به آثار حدیثی - که الزاماً آسیب نیز تلقی نمی‌گردند - کمک شایانی می‌نماید که از جمله آن‌ها می‌توان به درک صحیح کیفیت تدوین و انتقال آثار حدیثی و همچنین نقد این آثار از حیث انتساب به نویسنده نام برد.

بر اساس نگاه آسیب شناسانه صرف، اشکالاتی که از طریق استنساخ بر متن و سند تحمیل می‌گردد، بر مبنای منشأ صدور از ناسخ به دو دسته سهوی و عمدی تقسیم می‌شوند.<sup>۹</sup> اشکالات سهوی ناسخ بیشتر تحت عنوان تصحیف نام برده می‌شوند و به سبب آن که اولاً ناشی از بی‌دقتی‌های ناخواسته بوده و ثانیاً از صورتی جزئی‌تر و قابل شناسایی‌تر برخوردار بوده است، به شکل تفصیلی طبقه‌بندی یافته‌اند؛<sup>۱۰</sup> اما در سوی دیگر، نظام ساخت یافته‌ای برای طبقه‌بندی تصرفات عامدانه در نظر گرفته نشده است. از منظر محدثان اشکالات عمدی ناسخ معمولاً به عنوان تحریف شناخته می‌شوند<sup>۱۱</sup> و ناظر به دخل و تصرفاتی هستند که به صورت برنامه‌ریزی شده و از روی دلایلی شخصی، اقتصادی، علمی و یا فرقه‌ای انجام می‌شده است.<sup>۱۲</sup>

۹. برای کسب اطلاعات بیشتر رک: مراحل نسخه شناسی و شیوه‌های تصحیح نسخه‌های خطی فارسی، ص ۷۹-۸۰ و ۲۰۲-۲۰۵.

۱۰. برای مثال صحبت از اسقاط، درج و قلب همه از سنخ مواردی محسوب می‌گردند که ناسخ از روی اشتباه به انجام آنها اقدام نموده است و معمولاً ناظر به اشتباه در دید، خلط میان متن و حاشیه، اشتباه در نگارش و امثال آن است (برای کسب اطلاعات بیشتر رک: آسیب‌شناخت حدیث، ص ۶۶-۷۰).

۱۱. التصحیف فی متن الحدیث، ص ۲۵.

۱۲. برای آشنایی بیشتر با دلایل وضع و تحریف رک: الموضوعات، ج ۱، ص ۳۵-۴۷.

دامنه این نوع تصرفات گاه تا حدی فرا می‌رفته که ناسخ دست به کتاب‌سازی، تدوین کتابی ساختگی و یا ارائه نسخه‌ای مزور<sup>۱۳</sup> نموده و آن را با عنوانی دروغین، منسوب به یکی از عالمان بزرگ حدیث و یا ائمه می‌نموده است.<sup>۱۴</sup> همین امر موجب تشکیک عالمان متقدم و متأخر در انتساب عناوین زیادی از کتب به نویسندگانشان بوده است. از این رو، با وجود دسترسی به برخی از کتب ظاهراً مشهور، از نقل آرا و اقوال آن خودداری می‌نمودند. نمونه چنین برخوردی را در دیدگاه شیخ حرعاملی درباره کتاب مصباح الشریعه به خوبی می‌توان مشاهده نمود. مصباح الشریعه با آن که به نظر برخی از عالمان شیعه به عنوان اثری تألیفی از امام صادق علیه السلام محسوب می‌گردد؛<sup>۱۵</sup> لکن به سبب تشکیک شیخ حر در انتساب آن به امام صادق علیه السلام از نقل عباراتش در وسائل الشیعه و هدایة الامة الی احکام الائمة امتناع شده است.<sup>۱۶</sup> البته تذکر این نکته ضروری است که تصرفات ناسخ را در همه موقعیت‌ها و دوران نمی‌توان یکسان دانست،<sup>۱۷</sup> بلکه در برخی موارد ظرفیت بیشتری برای این تصرفات وجود دارد و در برخی مواقع دیگر این ظرفیت کمتر است. میزان حساسیت متن و همچنین نظارتی که بر آن اعمال می‌شد، از عواملی بازدارنده تلقی می‌گردد که در تنظیم دقت ناسخ و همچنین جلوگیری از دخل و تصرف در متن سهمی بسزا داشت این گونه، اگر ناسخ را ناشر و نویسنده را مؤلف به حساب آوریم، پس از تکمیل اثر توسط نویسنده، برای انتشار کتاب نیاز به ارائه متن تولیدشده به فردی ناسخ ایجاد می‌شود. در روال طبیعی، اثر به نسخه‌نویس تحویل داده می‌شود تا نسخه‌های بیشتری از آن تهیه گردد (تصویر شماره ۱).

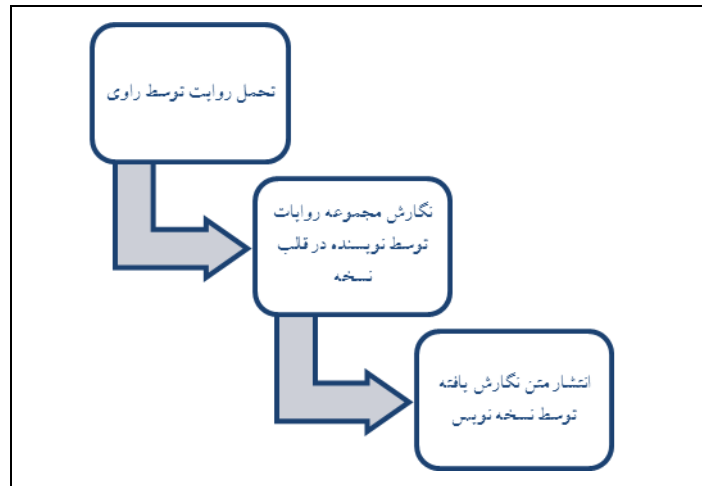
۱۳. کتاب‌سازی و کتابت مزور در همه اعصار شیوع داشته است تا جایی که در برخی از کتب و اسناد قدیمی از افرادی نام برده می‌شود که به «المزور» شهرت داشته‌اند (برای نمونه از اشتهار این لقب بر برخی افراد رک: الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۸).

۱۴. علم الاکتناه العربی الاسلامی، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ همچنین برای نمونه‌های از رواج نسخه‌ها و اسناد مزور رک: الفهرست، ص ۱۸۵، ۳۳۶؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۱؛ نهایة الارب فی فنون الادب، ج ۲۳، ص ۳۷.

۱۵. برای نمونه رک: الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۹۱-۹۲؛ خاتمة المستدرک، ج ۱، ص ۱۹۴.

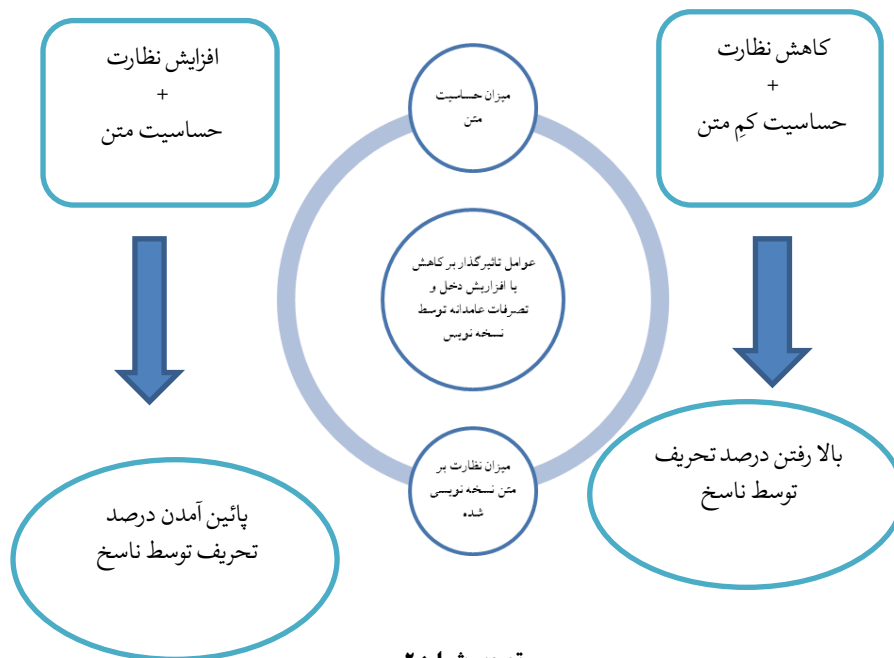
۱۶. ایشان دلیل خود برد کتاب را این گونه بیان می‌کنند: ما ثبت عندنا کونه غیر معتمد، فذلک لم تنقل منه؛ فمن ذلک: کتاب مصباح الشریعه المنسوب الی الصادق ۷ فان سنده لم یثبت و فیه اشياء منکره مخالفه للمتواترات (هدایة الامة الی احکام الائمة، ج ۸، ص ۵۵۰؛ همچنین رک: تفصیل وسائل الشیعه، ج ۳۰، ص ۱۵۹).

۱۷. تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، ۲۳۶.



تصویر شماره ۱

در این میان، کاهش و یا افزایش دخل و تصرفات عامدانه در متن وابسته به میزان نظارت و حساسیتی است که متن داراست (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲

با توجه به نظارتی که نویسنده بر متن نسخه برداری شده دارد و مقابله‌ای که از متن نسخه برداری شده با نسخه خود انجام می‌دهد، احتمال تصرفات عامدانه و سهوی را بسیار کم می‌نماید؛<sup>۱۸</sup> اما در صورتی که نویسنده فوت کند، یا اثرش به منطقه‌ای دور از محل سکونت وی انتقال یابد و یا این که به هر طریقی سلب نظارت نویسنده یا اطرافیانش محقق گردد، علاوه بر این که ناسخ ممکن است دقت اولیه خود را به کار نبرد، همچنین فرصت می‌یابد که در متن نسخه‌هایی که می‌نویسد، انگیزه‌هایی را که در ذهن می‌پروراند نیز بروز دهد که نهایتاً نتیجه آن اعمال تغییراتی در متن می‌شود.

پس از نظارت، میزان حساسیت متن، عاملی دیگر محسوب می‌شود که می‌تواند جلوی تصرفات عامدانه ناسخ را بگیرد. در مواردی که متن از حساسیت برخوردار باشد، دقت عالمان جامعه به متن مذکور، خود به عنوان عاملی بازدارنده از دخل و تصرفات محسوب می‌گردد؛ برای مثال، نزد شیعه جوامع معتبری چون *الکافی* و *التهذیب* و نزد اهل سنت متون حساسی چون *صحیح البخاری* و *صحیح مسلم* به سبب جایگاهی که دارند، همواره مورد رجوع هستند. این امر فضایی را حاکم نموده است که هیچ ناسخی جرأت دخل و تصرف در متن را به خود نمی‌دهد؛ چرا که تخطی از این امر عواقبی وخیم به دنبال خواهد داشت<sup>۱۹</sup> و سبب بدنامی او می‌گردد.<sup>۲۰</sup>

براین منوال برخی از آثار ظرفیت بیشتری برای دخل و تصرف ناسخ دارند و برخی آثار دیگر به سبب توجهی که از ناحیه نظارت نویسنده و یا حساسیت متن دارا هستند، ظرفیت کمتری برای دخل و تصرف دارند. این گونه در موقعیت‌هایی که نظارت‌ها محدود باشد و متن حساسیت زیاد نداشته نباشد، ناسخ از وضعیت آزادتری برای تغییر در متن برخوردار است. حال اگر تصرف وی از نوع تصحیف باشد، زمینه ظهور و بروز خارجی اش فقط در متن و سند اثر قابل مشاهده است؛<sup>۲۱</sup> اما در صورتی که ناسخ - چه از روی نیت خیر و چه با افکار مزورانه - نسبت به متن، خود را متعهد نداند و از روی عمد دست به تصرفات متنی بزند، بر خلاف مورد قبل، در دو سطح تغییر در متن و کتاب سازی، این دخل و تصرفات عامدانه

۱۸. در باب اهمیت مقابله اثر رک: *ادب الکتاب*، ص ۱۲۰-۱۲۲؛ شرح مقامات الحریری، ج ۳، ص ۱۸۸؛ منیة المرید فی آداب المقید والمستفید، ص ۳۵۲.

۱۹. در باب نمونه‌ای از بدعاقبتی نسخه پردازان مزور رک: *قابوس نامه*، ص ۲۱۳-۲۱۴.

۲۰. برای مشاهده نمونه‌هایی از دم مصحفین رک: شرح ما یقع فیہ التصحیف والتحریف، ص ۱۷-۴۷.

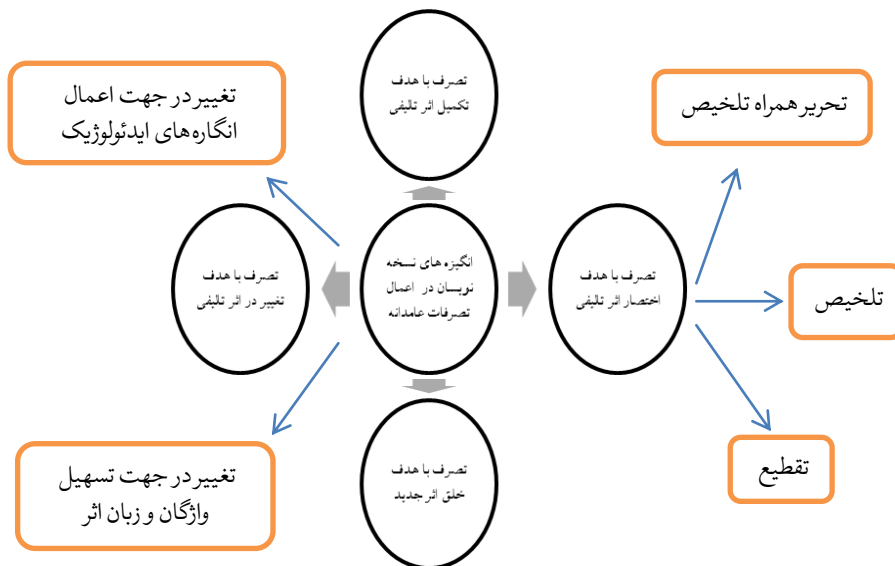
۲۱. *الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث*، ص ۱۳۳-۱۳۴.

قابل پیگیری است؛ یعنی هم امکان تحریف مباحث یک کتاب از سوی او وجود دارد و هم این که از اساس می‌تواند کتابی را ساخته و به دروغ به مؤلفی خاص منسوب کند؛ اما دامنه تأثیراتی که ناسخ بر حوزه حدیث دارد، فقط در این دو جنبه خلاصه نمی‌شود، بلکه شناخت بیشتر پدیده استنساخ و نوع عمل کرد نسخه پردازان در حوزه حدیث می‌تواند محدوده اثرگذاری ایشان را در آثار حدیثی گسترش دهد تا حدی که ناسخ نیز به عنوان عنصری مستقل شناخته شده و در زنجیره بررسی حدیثی در کنار راوی و مؤلف سهمی جداگانه به خود اختصاص نماید. لازمه چنین نگاهی تغییر همراه با توسعه ساختار طبقه بندی تصرفات ناسخ را طلب می‌نماید. این گونه، تصرفات عامدانه ناسخ را فقط در چارچوب تحریف نمی‌توان خلاصه نمود، بلکه در برخی از مواقع اثر تولید شده را باید به عنوان کاری مستقل به حساب آورد که الزاماً قصد تحریف نیز در آن دخیل نیست.

## ۲. انگیزه‌های نسخه نگاران آثار حدیثی در اعمال تصرفات عامدانه

اگر به دنبال تبیین صحیح تصرفات عامدانه ناسخ و در نتیجه، بیرون آمدن از انحصار الگوی تک وجهی تحریف باشیم، ناگزیر باید مبتنی بر الگویی طبقه بندی شده، گونه‌های مختلف انگیزه‌های نسخه نویسان را در تعامل با متن به دست آوریم. این انگیزه‌ها را براساس نمونه‌هایی که تا امروز برای ما باقی مانده است، می‌توان به چهار دسته، شامل: انگیزه تکمیل اثر تألیفی، انگیزه تغییر اثر تألیفی، انگیزه تلخیص و تحریر اثر تألیفی و همچنین انگیزه خلق اثر جدید؛ تقسیم نمود (تصویر شماره ۳). در ادامه، هر کدام از این گونه‌ها به همراه مصادیق معرفی می‌گردند.





تصویر شماره ۳

### ۱-۲. انگیزه تصرف عامدانه با هدف تکمیل اثر تالیفی

نسخه‌نویسان محدود به یک صنف خاص نیستند. گروه وسیعی همچون وراقان، خوش‌نویسان، دیوان‌سالاران، دانشجویان و دانشمندان در گذشته اشتغال به نسخه‌پردازی داشتند.<sup>۲۲</sup> از این رو در میان نسخه‌نگاران حوزه حدیث، اقشار فراوانی را، از بردگان نوآموز بازار و زاقی گرفته تا عالمان نامداری همچون ذهبی و ابن حجر عسقلانی، می‌توان دید که با دلایل مختلفی همچون تأمین معاش زندگی، تبلیغ از فرقه و نشر علم دست به نگارش نسخه‌های خطی می‌زدند. به همین خاطر تنوع سطح علمی عوامل دست‌اندرکار و تفاوت اهداف ایشان می‌توانسته است تأثیرات متنوع و متکثری را در شیوه کار ایشان گذاشته و موجب شکل‌گیری انواع مختلفی از تصرفات عمدی در متن بشود. در این میان، نقش عمده عالمان در تصرفات عامدانه مخصوصاً در زمانی که کتاب یک نویسنده ناقص باشد، به خوبی خود را نشان می‌دهد. معمولاً ناقص بودن آثار، دلایلی مختلف دارد؛ گاه این نقصان به سبب ایجاد حوادثی غیرمترقبه همچون فوت ناگهانی نویسنده، مشغولیت‌های او و یا

۲۲. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره اصناف متنوع نسخه‌نگاران رک: تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، ص ۷۳-۱۸۳.

حتی از دست رفتن انگیزه اولیه تألیف پدید می‌آید.<sup>۲۳</sup> گاهی نیز این نواقص به سبب تام نبودن تتبع نویسنده رخ می‌داد که دلیل اصلی آن نیز عدم دسترسی به منابع بود. در چنین مواردی ناسخ با بهره‌گیری از منابعی که خود در دست داشت - و شاید در دست نویسنده اصلی کتاب نبود - سعی در تکمیل اثر می‌نمود تا کتاب از جامعیتی کافی برخوردار شود. این نوع از اضافات گاه با مبانی نانوشته صاحب اصلی اثر ناهمخوان بود از همین رو خود به عنوان نوعی تحریف محسوب می‌شد.

آن دست از عالمانی که بعداً عهده‌دار نسخه‌نویسی از یک اثر می‌گردیدند، به صورت معمول، زمانی که نقصانی را در اثر می‌دیدند، درصدد برمی‌آمدند تا عیب مذکور را رفع کنند. رفع این نقصان معمولاً به دو شکل بود: یک شیوه به حاشیه‌نویسی یا تولید اثری مستقل در کنار اثر مبدأ در سطح مستخرج نویسی، مستدرک‌نگاری و زوائد نویسی می‌انجامید.<sup>۲۴</sup> در این حیطه هیچ دخل و تصرفی در متن اثر ایجاد نمی‌شد؛ اما در شیوه دیگر، ناسخ با توجه به قوت و توانمندی علمی خود دست در اثر برده و به تکمیل نواقص موجود در آن می‌پرداخت. در این میان، هر چند که وظیفه ناسخ به طور کلی نسخه‌برداری پنداشته می‌شود، اما این حس نزد این نسخه‌نویسان - که بیشتر از اهل علم نیز بوده‌اند - وجود داشته است که تکمیل اثر به رساندن مقصود نویسنده اصلی کمک می‌کند؛ برای همین خود را محق در آوردن اضافاتی در متن می‌دیدند. تلاش برای تکمیل یک اثر پیشین، مخصوصاً در بیوت و خاندان‌های حدیثی رواج فراوانی داشته است. نمونه بارز این مورد مسند/احمد بن حنبل است. احمد بن حنبل امکان تکمیل مسندش را در طول عمر خود نیافت.<sup>۲۵</sup> به همین خاطر فرزند او بنا بر وصیتی که از جانب پدر به وی رسیده بود، عهده‌دار حفظ این اثر گردید. احمد طبق نقل منابع با عبارت «احتفظ بهذا المسند فانه سيكون اماماً»<sup>۲۶</sup> در اواخر عمر از فرزندش درخواست می‌نماید تا اثرش را حفظ کند. آنچه از معنای حفاظت در این وصیت می‌توان استنباط نمود، در حقیقت، تلاش برای جلوگیری از نابودی اثر است و نقل شفاهی آن مدنظر نیست.

۲۳. در زمینه آثاری که توسط نویسندگان اصلی ناقص نگاشته شده است می‌توان به مسائل الخلاف سید مرتضی، منتقى النجمان فی الأحادیث الصحاح والحسان از جمال الدین ابو منصور حسن بن زین الدین و حاشیه شیخ بهایی بر تهنید الاحکام شیخ طوسی اشاره کرد.

۲۴. برای مشاهده نمونه‌هایی از این نوع آثار رک: الرسالة المستطرفة، ص ۳۲ و ۱۷۲.

۲۵. ابن حنبل حیاتة وعصره: آراءه و فقهه، ص ۱۷۲.

۲۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۳۲۷.

دلیل این استنباط نیز از آن رو است که اساساً عبارت «سیکون اماماً» دلالت بر آن دارد که در صورت حفظ اثر، آن چه نگاشته شده است، به عنوان منبعی مرجع نزد مردم شناخته می‌شود. با این توضیحات معنای درخواست احمد به صورت واضح حفظ فیزیکی مسندش است. این خواسته از طریق استنساخ محقق می‌شود و از این رو عبدالله بنا بر درخواست پدر اساساً خود را موظف به استنساخ اثر می‌دانست؛ اما عبدالله به همراه یکی از شاگردان پدرش به نام ابوبکر قطیع هنگام عمل به وصیت متوجه برخی از نواقص اثر شده و در نتیجه، در اثنای کار خود مجموعه‌ای از روایات را - که توسط احمد بن حنبل نوشته نشده بود - به متن اصلی می‌افزایند.<sup>۲۷</sup> در این نمونه، نویسنده اصلی کتاب نزد ما احمد بن حنبل محسوب می‌شود و ناسخان پسر و شاگرد او هستند؛ لکن چنان که مشاهده می‌شود در اینجا ناسخ این اختیار را به خود می‌دهد تا مطالبی را از روی عمد به اصل کتاب بیافزاید؛ زیرا اولاً اثر را متعلق به پدر و یا استاد خود می‌دانسته و ثانیاً خواستار ارائه اثری کمال و تمام بوده است. این کار در حالی صورت می‌گیرد که احمد بن حنبل درخواست تکمیل اثر نداشته و تنها استنساخ آن را انتظار داشت.

تکمیل یک اثر توسط ناسخ عملکردی رایج مخصوصاً در زمینه حدیث محسوب می‌شده و در صورت تتبع گونه‌های متنوع دیگری را با چنین رویکردی می‌توان یافت. اشکال اصلی در این بخش زمانی ایجاد می‌شود که به سبب مرسوم نبودن برخی از قواعد، ناسخ، تفکیکی را میان کار خود با مؤلف اصلی ارائه ننماید تا بدین نحو امکان تشخیص اضافات وی با اصل اثر وجود داشته باشد. در این گونه مواقع امکان شناسایی دخل و تصرفات ناسخ به سختی صورت می‌پذیرد، لکن بنا بر سنت تحلیلی - انتقادی موجود در علوم حدیث و با دقت‌هایی علمی در سطح بررسی سلسله اسناد و یا ادبیات حاکم بر متن تا حدی امکان تفکیک این دو از یکدیگر وجود دارد.<sup>۲۸</sup> این تصرفات مستقلاً به عنوان تحریف شناخته نمی‌شود؛ تنها زمانی تحریف در این بخش رخ می‌دهد که انگیزه ناسخ از تکمیل اثر، تغییر جهت متن و بهره‌برداری و تبلیغ فکری مخالف با آنچه نویسنده بدان معتقد بوده است باشد.<sup>۲۹</sup>

۲۷. المصعب الاحمد فی ختم مسند الامام احمد، ص ۲۱.

۲۸. برای آشنایی با نحوه نقد سنتی حدیث رک: *علل الحدیث*، سراسر اثر؛ *الاخبار والدخيلة*، سراسر اثر؛ همچنین برای آشنایی با گونه‌شناسی نقدهای جدید حدیث رک: پاکتنچی، *علل الحدیث*، ص ۸۳-۹۸.

۲۹. برای آشنایی بیشتر با این انگیزه‌ها رک: *الموضوعات*، ج ۱، ص ۳۵-۴۷.

## ۲-۲. انگیزه تصرف عامدانه باهدف تغییر در متن اثر تالیفی

اختیارات ناظر به تغییر اثر تالیفی، شباهت فراوانی به مورد پیشین دارد؛ اما به سبب آن که در طبقه بندی پیشنهادی این مقاله، اختیارات ناسخ، از منظر انگیزه های وی تنظیم شده است، فلذا «تغییر در اثر» را باید به عنوان موردی مستقل در نظر گرفت. با توجه به انگیزه های ناسخ، هنگامی که وی به دنبال «تکمیل اثر تالیفی» باشد، قصدی در حذف مباحث نویسنده نخواهد داشت و فقط نکاتی را که به نظر او در متن اغفال گردیده است، می آورد تا نهایتاً نوشته ای که در دست دیگران قرار می گیرد، به صورت تکمیل ارائه شده باشد؛ اما در «تغییر در اثر»، علاوه بر اضافه کردن مباحث، احتمالات دیگری همچون حذف مطالب و جایگزینی مطالب نیز وجود دارد که در برخی کارکردها منجر به تحریف می شود. این تغییرات را در دو سطح می توان مطرح نمود: سطح اول به اعمال تفکرات ایدئولوژیک ناسخ در متن برمی گردد و سطح دوم شامل تغییراتی می شود که برای مفهوم نمودن واژگان صورت می گیرد.

## ۲-۲-۱. تغییر متن بر اساس انگاره های ایدئولوژیک ناسخ

در این بخش ناسخ بنا بر انگاره های ایدئولوژیک خود و با مقاصد فرقه ای، سیاسی و یا صنفی دست به دخل و تصرفاتی آگاهانه در متن می زند تا دیدگاه خود را در قالب افکار و آثار برخی از معارف ترویج نماید.<sup>۳۰</sup> در بسیاری از متون کهن وقتی به مقایسه نسخه های موجود آن ها می پردازیم، تصرفاتی تدریجی را می بینیم که نتیجه تحولات ایدئولوژیک جامعه است. بسیاری از اوقات این تغییرات در اسامی افراد خود را نشان می دهد که نمونه جالب توجه آن حذف تدریجی نام محمد بن کرام در روندی چند صدساله از نسخ خطی است.<sup>۳۱</sup> دلیل این حذف را در آن باید جست که با شکست تاریخی طرفداران مذهب محمد بن کرام نسخه نویسانی که آثار این مذهب را رونویسی می کرده اند، هر جا به نام محمد بن کرام رسیده اند، دست به تغییرات زده اند؛ زیرا مذهب او - که روزگاری بالاترین قدرت سیاسی و دینی بخشی از خراسان بوده است - بر اثر شکست تاریخی مغلوب مذاهب دیگر شده است.<sup>۳۲</sup>

۳۰. نقش ایدئولوژیک نسخه بدل ها، ص ۹۳-۱۱۰.

۳۱. برای کسب اطلاعات بیشتر رک: چهره دیگر محمد بن کرام سجستانی در پرتو سخنان نویافته از او، ص ۶۱-۱۱۳.

۳۲. ترجمه تاریخ یمنی، ص ۳۹۲-۳۹۴.

نمونه جالب حدیثی که در این بین می‌توان بدان توجه کرد، کتاب مکارم الاخلاق است. این کتاب در دوره‌ای بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت و این نکته دشمنان شیعه را بر آن داشت تا از مقبولیت این کتاب به نفع خود استفاده کنند؛ لذا برخی از دشمنان شیعه نسخه‌هایی از آن اثر را پدید آوردند که در آن با تغییر، حذف و اضافه برخی مطالب چهره شیعه را مشوه سازند. بنا به گزارش سید محسن امین برخی از تحریف‌های صورت گرفته در آن نسخ عبارت بودند از: حذف احادیث فضائل علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام، حذف نام حضرت علی علیه السلام و جایگزینی نام یکی از شیخین، حذف جمله «علیه السلام» بعد از نام ائمه و تبدیل آن به «رضی الله عنه» و نسبت دادن احادیث حضرت زهرا علیها السلام به عایشه و حفصه. در همان دوران میرزای بزرگ شیرازی، پس از اطلاع از این توطئه تمام نسخه‌های خطی و قدیمی کتاب را جمع‌آوری کرد و با تطبیق دادن نسخه‌ها توسط حاج شیخ محمود بروجرودی نسخه‌ای منقح از کتاب را ارائه نمود.<sup>۳۳</sup>

در هر سو، گستره تصرفات عامدانه با اهداف ایدئولوژیک بسیار زیاد است؛ اما عمده‌ترین قالب‌های ارائه آن‌ها عبارت‌اند از حذف، اضافه و یا جابه‌جایی الفاظ، جملات و حتی صفحات یک اثر با هدف افزودن و یا کاستن از جایگاه شخصیت‌های دینی و مذهبی و عبارات مرتبط با ایشان، انتساب عقایدی مخالف با آنچه نویسنده بدان اعتقاد داشته، حذف نام شخصیت‌ها به دلیل بغض ایدئولوژیک، جابه‌جا کردن نام‌ها از فردی مغبوض به فردی محبوب و برعکس، نسبت دادن سخنی شیوا از گوینده‌ای که در دوره‌های بعد مورد بغض جامعه بوده است به شخصیت دیگری که مورد محبت جامعه است و همچنین جابه‌جایی نام‌های مشابه به دلیل تمایلات ایدئولوژیک.<sup>۳۴</sup>

## ۲-۲-۲. تغییر در متن برای تسهیل فهم واژگان و زبان اثر

در این بخش واژگان و کاربردهایی از عبارات - که غریب باشند - حساسیتی را برای ناسخ به وجود می‌آورد که منجر می‌گردد وی واژه مهجور را با واژه مانوس تعویض نماید<sup>۳۵</sup> و یا این که با ویراست ساختار غریب جمله، متن را برای خواننده روشن نماید. در این بعد، هر چند انگیزه تحریف به صورت صریح وجود ندارد، اما چه بسا انتقال معنا به صورت اشتباه

۳۳. اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۲۲۴.

۳۴. نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها، ص ۹۵-۹۶.

۳۵. تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، ص ۲۳۸؛ فقه الحدیث (مباحث نقل به معنا)، ص ۳۹۹.

انجام گیرد و در نتیجه موجب تحریف حدیث شود.

تغییر واژه توسط ناسخ برای رساندن معنا در بسیاری از موارد به مثابه ترجمه‌ای درون زبانی است. در ترجمه درون زبانی برای یک واژه غریب، یا از واژگان مترادف استفاده می‌شود و یا این که به شرح لفظ پرداخته می‌شود.<sup>۳۶</sup> این نوع از تغییر چیزی شبیه نقل به معنا در انتقال شفاهی احادیث است. در نقل به معنا راوی برداشت خود را از حدیثی که شنیده است، بیان می‌دارد.<sup>۳۷</sup> در این نوع از تغییر نیز ناسخ واژه معادلی که به نظرش معنای نزدیک را می‌رساند، انتخاب می‌کند؛ برای مثال در تعدادی از روایات برای نشان دادن حجم آبی که با برخورد نجاست نجس نمی‌شود، واژگان کر، قلتین و رطل به کار رفته است و حال آن که تفاوت‌هایی که در این بین پیش آمده است، به سبب نامفهوم بودن برخی واژگان در بوم مربوطه و تبدیل آن به واژه‌ای معنادار توسط ناسخ است تا درک بهتری از الفاظ صورت پذیرد. این گونه، واژه قله - که بر ظرفی مصری که اندازه استاندارد داشته است، اطلاق می‌شد - وقتی به عراق می‌رود، به سبب این که ظرف استاندارد، کربوده است، با واژه مذکور جابه‌جا می‌شود.<sup>۳۸</sup>

### ۳-۲. انگیزه تصرف عامدانه با هدف اختصار اثر تألیفی

در حوزه استنساخ کتب، آسیب‌هایی چون کمبود منابع مادی از قبیل کاغذ، دوات، جوهر و همچنین ضعف کیفیت آن‌ها، تأثیرات چشمگیری را در نوع ارائه برخی از آثار پدید می‌آورد و موجب اعمال سیاست‌هایی خاص از جانب نویسندگان و نسخه‌نویسان می‌شد. این آسیب‌ها، مخصوصاً در زمینه کیفیت ماندگاری کاغذ، بسیار قابل تأمل است؛<sup>۳۹</sup> چراکه اولاً دسترسی به کاغذ دشوارتر از زمان حاضر بود و کیفیت پایین آن طول عمرش را پایین می‌آورد؛ ثانیاً در صورتی که آثار بر اثر آتش‌سوزی یا جنگ از بین نمی‌رفتند، ماندگاری‌شان زمانی محدود داشت و پس از آن حالتی شکننده پیدا می‌نمودند؛ ثالثاً آفت‌هایی از قبیل موربانه، انگل و یا قارچ‌ها نیز نسخ خطی را در معرض تهدید قرار می‌دادند.<sup>۴۰</sup> وجود

۳۶. فقه الحدیث (مباحث نقل به معنا)، ص ۱۴۹-۱۵۰.

۳۷. برای تعریف و نظرات مختلف در مورد نقل به معنا، ک: الکفایة فی علم الروایة، ص ۱۷۰-۱۷۱؛ وصول الاخیار الی اصول الاخیار، ص ۱۵۲؛ معارج الاصول، ص ۱۵۳.

۳۸. الوافی، ج ۶، ص ۳۷.

۳۹. برای آشنایی با تاریخ کاغذ در اسلام رک: کتاب در بویه تاریخ، ص ۲۷۴-۲۷۵.

۴۰. برای اطلاعات بیشتر در زمینه عوامل آسیب‌رسان به نسخ خطی رک: آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب، ص ۱۱۷-۱۲۲.

محدودیت‌ها و آسیب‌های مادی در منابع، به علاوه محدودیت‌های مکانی و فیزیکی مربوط به نگهداری این آثار باعث شکل‌گیری شیوه‌ای خاص از مواجهه با متون، مخصوصاً آن دسته از منابعی که مجلدات فراوانی را به خود اختصاص می‌دادند، گردیده بود. معمولاً پس از این که کتابی به نگارش درمی‌آمد و زمانی مشخص از آن می‌گذشت، نیاز بود تا برای حفظ اثر، کتاب نگارش یافته، دوباره نسخه‌برداری شود تا از آسیب‌های موجود حفظ گردد. این محدودیت‌ها موجب گردیده بود تا راه‌حلی برای حفظ آثار در نظر گرفته شود تا این گونه از نابودی آن‌ها جلوگیری شود. اختصارگرایی به شیوه تحریر همراه با تلخیص، تقطیع و تلخیص کتاب‌های چند جلدی به منابعی کوچک‌تر مهم‌ترین راهکارهایی بودند که برای حفظ این آثار به کار می‌رفت که در ادامه به مصادیق آن‌ها اشاره خواهد شد.

### ۲-۳-۱. تحریر همراه با تلخیص از اثر تألیفی

تحریر به معنای بازنویسی اثر با هدف پیراستگی متن و نظم بخشیدن به آن است<sup>۴۱</sup> و تقریباً معادل ویرایش در زمان حاضر است و شامل انواع حوزه‌های ویرایش از قبیل ویرایش فنی، ساختاری و ادبی می‌شود.<sup>۴۲</sup> تحریر همراه با تلخیص کتب قدما یا توسط خودشان و یا عالمانی دیگر انجام می‌شد؛ لکن موضوع چنین تحریری تنها زمانی موضوع این مقاله می‌تواند قرار بگیرد که اثر توسط فردی نسخه‌نویس تحریر همراه با تلخیص شده باشد. دلیل این امر نیز آن است که نویسنده جایگاهی متفاوت از ناسخ دارد. هر کدام از نویسنده یا ناسخ وظیفه‌ای را بر عهده دارند که متفاوت از دیگری است. نویسنده فردی است که یک اثر را تولید می‌کند، اما ناسخ فردی است که به دنبال نگارش از روی کتاب اصلی با اهداف تجاری، حفظ علم و یا حفظ کتاب از نابودی است.

در گذشته وقتی که یک عالم در هنگام مطالعه یک کتاب اشکالاتی در آن می‌دید و از سوی دیگر لازم می‌دید تا کتاب صورتی تلخیص یافته به خود بگیرد، مجبور بود فراتر از کارهایی چون حاشیه‌نویسی بر کتاب، ناظر به ارائه اثری تصحیح شده و تلخیص شده، دست به استنساخ کتاب بزند. در چنین مواردی مستنسخ، اصل اثر را به صاحب اصلی آن منتسب می‌نمود، لکن از آنجایی که کار توسط وی خلاصه شده بود، معمولاً نامی از خویش نیز در اثر به میان می‌آورد. در بسیاری از موارد به سبب معروف بودن مستنسخ، نسخه تحریر

۴۱. تاج العروس، ج ۶، ص ۲۶۸.

۴۲. برای آشنایی با انواع ویرایش رنگ: آشنایی با ویراستاری و نشر، سراسر اثر.

تلخیصی اثر از اصل اثربیشتر در بین افراد رواج پیدا می نمود. شاید تصور شود که چنین افرادی عملاً خلاصه نویس محسوب می شوند، نه مستنسخ. در جواب باید گفت که به سبب وسعت دایره استنساخ نزد قداما، حتی چنین مواردی نیز به مثابه استنساخ به حساب می آمد و افرادی که چنین آثاری را پدید می آورند، با قیدهایی همچون «استنسخه فلان»، نوع کار خویش را از قبیل استنساخ به حساب می آورند.

کتاب *اختیار معرفة الرجال* شیخ طوسی نمونه ای از این نوع تصرفات است. نویسنده اصلی کتاب، کشی است. این کتاب نزد قداما به نام *رجال الکشی* یا *معرفة الرجال* شناخته می شده و کشی در آن به ذکر روایاتی پرداخته بود که در مدح یا ذم روایان وارد شده بود. شیخ طوسی این کتاب را در سال ۴۵۶ ق، در نجف اشرف، برگروهی از اهل علم، املا کرد<sup>۴۳</sup> و گویا به خاطر برخی از اغلاطی که در کتاب مشاهده می نماید،<sup>۴۴</sup> تصمیم به ارائه تحریری خلاصه گونه از آن می گیرد. فهم دقیق این که شیخ در گزینش خود، چه روایاتی را حذف کرده، دقیقاً روشن نیست؛ زیرا *رجال الکشی*، بعد از قرن پنجم نایاب شد و هیچ کدام از علما آن را در اختیار نداشته اند، اما *اختیار معرفة الرجال* - که تحریر خلاصه گونه اثر محسوب می شد - باقی ماند.

معمولاً در این نوع از تحریرهای خلاصه گونه از آنجایی که ناسخ در سلک عالمان شناخته می شود، در نتیجه خود، تعهد تلخیص را بر عهده گرفته و با افزودن نام هایی همچون اختیار، مختصر یا تلخیص به اثر نام خویش را نیز به عنوان تحریر کننده و یا تلخیص کننده آن می آورد. در اینجا به تناسب فردی که دست به تحریر همراه با تلخیص زده است، می توان اطمینان حاصل نمود که آیا در اصل مدعای نویسنده تغییری صورت پذیرفته است یا خیر.

## ۲-۳-۲. تلخیص اثر تألیفی

گاهی نسخه برداران در مواجهه با یک اثر اصیل برای این که دسترسی به کتاب راحت تر باشد، دست به خلاصه نمودن آن می زدند. در این مورد، هدف اصلی به هیچ وجه بازنویسی و یا تهذیب اثر نبود، بلکه تنها هدفی که از انجام آن پی گرفته می شد، کم نمودن حجم اثر بود. انجام چنین کاری از یک سو برای مردمان آن عصر مفید تلقی می شد، زیرا موجب صرفه اقتصادی کاغذ و بعضاً جلوگیری از ارائه مباحث پر طول و تفصیل و یا مسائل پیرامونی و

۴۳. فرج المهموم، ص ۱۳۰.

۴۴. برای اثبات وجود اغلاط در این کتاب رک: *رجال النجاشی*، ص ۳۷۲.



جزئی یک اثر می‌شد، اما از سوی دیگر، صدمات جبران‌ناپذیری را پدید می‌آورد؛ زیرا گاهی به واسطه همین تلخیص‌ها مطالبی از یک کتاب از دست می‌رفت که به راحتی جایگزینی برایش نمی‌شد در نظر گرفت.

برای نمونه، در موارد زیادی از نسخه‌های خطی مربوط به حوزه حدیث شاهد آن هستیم که سند روایات از متن آن حذف شده است تا بدین نحو کتاب به صورتی خلاصه‌تر به مخاطبان ارائه شود. می‌توان حدس زد که عمده نسخه‌بردارانی که چنین اقداماتی را انجام می‌دهند، دارای تخصص حدیثی لازم نیستند؛ چرا که برای آن‌ها فقط متن حدیث حاوی پیام است و سند حدیث عنصری با اهمیت تلقی نمی‌گردد؛ حال آن‌که در بررسی انتقادی احادیث، سند نقشی محوری دارد و حذف آن رسیدن به نتیجه‌ای صحیح در حوزه نقد حدیث را دچار مشکل می‌نماید. برخورد نسخه‌برداران با دو اثر *تفسیر العیاشی* و *المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیة* نمونه‌ای گویا در این زمینه است. روایات موجود در نگارش اولیه *تفسیر العیاشی* همگی دارای اسنادی مستقل بوده‌اند، اما بعدها نسخه‌برداران، اسناد این کتاب را به سبب تلخیص حذف می‌نمایند.<sup>۴۵</sup> به همین خاطر آن‌چه امروزه از این کتاب باقی مانده، نسخه بدون سند این کتاب است و نسخه‌سنددار آن از میان رفته است. در برخی موارد نسخه بی‌سند و سنددار اثر باقی مانده‌اند. کتاب *المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیة* ابن حجر عسقلانی نمونه‌ای از این دست است و مصحح اثر در مقدمه آن وجود دو نوع نسخه از آن را گواهی می‌دهد.<sup>۴۶</sup>

### ۲-۳-۳. تقطیع اثر تالیفی

نیازسنجی مخاطبان در تقطیع آثار گذشتگان عاملی مؤثر تلقی می‌گردد. گاهی اوقات به سبب نیاز به بخش خاصی از یک کتاب با اهمیت، ضروری می‌نمود تا توجه لازم به آن بخش خاص معطوف گردد و از بقیه قسمت‌ها غفلت شود. این شیوه مخصوصاً در کتاب‌هایی همچون کتب دعا - که بیشتر مورد مراجعه عموم مردم بود - قابل مشاهده است؛<sup>۴۷</sup> همچنان که امروزه نیز در کنار مجموعه‌های مفصلی همچون *اقبال الاعمال* سید بن طاووس، *مصباح‌المتهجد* شیخ طوسی و *مفاتیح‌الجنان* شیخ عباس قمی ادعیه‌ای خاص

۴۵. برای دلیل حذف اسناد این کتاب توسط ناسخ‌رک: *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۲.

۴۶. مقدمه *المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیة*، ج ۱، ص ۴۵۳-۴۸۴.

۴۷. *الجنة الواقیة والجنة الباقیة کفعمی* - که تلخیص *جنة الأمان الواقیة وجنة الإیمان الباقیة* است - از این قبیل نمونه‌ها محسوب می‌گردد.

همچون دعای توسل، زیارت عاشورا و یا مجموعه‌ای خاص از ادعیه مشهور جداگانه چاپ می‌گردند. غیر از کتب دعا، نیازهای آموزشی متعلمان به سبب این که بازار خوبی برای نسخه‌پردازان محسوب می‌شد، نیز انگیزه بسیاری برای بروز چنین عملکردی را فراهم می‌آورد. به همین سبب، منابع آموزشی معمولاً به صورت اختصاری و یا بخش‌های مشخصی که در مراکز آموزشی تدریس می‌شد، به صورت مجزا نسخه‌برداری می‌گشت<sup>۴۸</sup>. در تحلیل این نوع از تصرفات باید گفت که اگر در چنین مواقعی فقط بخشی خاص از یک کتاب نسخه‌نویسی گردد، زمینه‌های تحریف وجود نخواهد داشت؛ زیرا عمدتاً نسخه‌هایی که تقطیع می‌شوند، به سبب این که مبنای نگارش، نیاز مخاطبان به بخشی خاص از کتاب بوده، لذا انگیزه کمتری برای تحریف توسط ناسخ وجود خواهد داشت؛ زیرا معمولاً چنین نسخه‌های پرشمارگان بوده‌اند و اشتباه و دخل و تصرفات به زودی شناخته و موجب روی گردانی مردم از فرد خاطی می‌شد.

#### ۲-۴. انگیزه تصرف عامدانه با هدف خلق اثر جدید

اوج فعالیت‌های ناسخ در زمینه تصرفات عامدانه‌اش هنگامی است که ثمره کار وی منجر به خلق اثری جدید گردد. کمبودهایی که گذشتگان در حوزه دسترسی به منابع داشتند، مشکل بزرگی بود که در مسیر استنساخ وجود داشت. همین امر باعث بروز عملکردهایی متناسب با این کمبودها گردیده بود. یکی از عمده‌ترین برخوردها جمع‌آوری و تلفیق چند اثر با موضوعی مشترک و در سطح یک نسخه بود. در اینجا ناسخ خود اقدام به جمع‌آوری رساله‌های کوچک و بزرگی که در دست داشت، می‌نمود و آن‌ها را در قالب یک نسخه ارائه می‌کرد. البته ارائه چند اثر از یک نویسنده واحد یا چند نویسنده متفاوت، در یک نسخه، مخصوصاً در مواقعی که آثار حجم کمی داشته باشند، امری معمول شناخته می‌شود و اساساً بنا بر نسخه‌های تلفیقی فراوانی که باقی مانده است، می‌توان نتیجه گرفت که چنین چیزی در میان نسخه‌نگاران مرسوم بوده است که برای نهایت استفاده از نسخه‌ای که در دست بوده در صورتی که استنساخ یک اثر تمام می‌شد و مقداری از برگه‌های نسخه باقی می‌ماند، اثری دیگر را به انضمام اثر اول ارائه بنمایند. البته با توجه به این که معمولاً نام

۴۸. کتاب‌هایی که به صورت سنتی در حوزه علمیه تدریس می‌گردند، نمونه بارزی از چنین تقطیعاتی هستند؛ برای نمونه با توجه به این که عمدتاً باب اول و رابع معنی‌اللیب در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شد، نسخه‌پردازان نیز این دو فصل را به صورت مجزا برای طلاب استنساخ می‌نمودند.

نویسندگان آثاری که در یک مجموعه آورده می‌شد معرفی می‌گشت و علاوه بر آن، با علائمی امکان تفکیک اثر اول از اثر دوم وجود داشت، مشکلی نیز در این بخش بروز نمی‌کرد؛ اما مشکل اساسی در جایی شکل می‌گرفت که اولاً ناسخ چند مجموعه را با یکدیگر آورده و ثانیاً تفکیکی میان آن‌ها مشخص نمی‌کرد و بدون این که نامی از صاحبان اثر برده باشد آن آثار را در کنار یکدیگر ارائه می‌نمود. این گونه علاوه بر این که هویت اثر برای آیندگان از بین می‌رود؛ تصویری نیز مبنی بر تعلق کل اثر به فردی واحد نیز بروز خواهد نمود. مشکل زمانی دوچندان می‌شود که در بسیاری از مواقع مبتنی بر آثار کتاب‌شناسی به طور حتم اثری را به یک نویسنده می‌توان نسبت داد؛ اما اثری که امروزه از وی بر جای مانده را همان کتابی که به وی نسبت داده‌اند، نمی‌توان به حساب آورد؛ چراکه ادله و شواهدی در متن وجود دارد که این ادعا را نفی می‌نماید. به طور حتم در این گونه از موارد، ناسخ سهمی بسزا در شکل‌گیری چنین حالتی داشته است. به همین خاطر در چنین مواقعی پیگیری نویسنده‌ای واحد برای اثر جواب نخواهد داد؛ زیرا احتمال این که چنین کاری از تصرفات عامدانه ناسخ به حساب بیاید، بسیار زیاد خواهد بود.

تفاوتی را که کار مؤلف با فعالیت ناسخ در تولید اثر می‌تواند داشته باشد، بر اساس شاخصه‌هایی چون حاکمیت نظم بر متن اثر و یکسان بودن ادبیات پردازشی متن تفکیک کرد؛ برای مثال فردی که به عنوان مؤلف عهده‌دار تولید یک اثر می‌گردد، به خاطر بهره‌مندی از دانش لازم و همچنین نظام فکری مشخصی که به دنبال پیاده کردن آن در متن است اثری را تولید خواهد نمود که صدر و ذیل و همچنین ابتدا و انتهای آن با یکدیگر ارتباط داشته باشد و طبیعتاً با سبک نگارشی یک نواخت و استفاده از ادبیاتی متناسب با موضوع سیر مطالب کتاب را به رشته تحریر درمی‌آورد؛ تا جایی که اگر فردی آشنایی با سبک نگارش نویسنده مزبور داشته باشد، سبک حاکم بر کل متن را به وی منتسب می‌نماید؛ اما به سبب این که ناسخ این دقت‌ها را در نظر نمی‌گیرد، در نتیجه، متنی که تولید می‌کند نیز فاقد این مؤلفه‌ها است. به همین خاطر گسست در موضوعات، فقدان انسجام، تشویش در متن، پرش‌های مکرر از مطالب، نقصان مباحث ارائه شده، سبک‌های متفاوت نگارشی و سلسله سندهای ناهمگون به خوبی در آثاری که توسط ناسخ تولید شده باشد، قابل مشاهده است. کتاب‌هایی همچون تفسیر منسوب به *علی بن ابراهیم* و کتاب *الاختصاص* منسوب به شیخ مفید - که امروزه در دسترس قرار دارد - به نظر می‌رسد از جمله آثاری به حساب بیایند که در این طبقه جای داشته باشند؛ زیرا با لایه‌شناسی مباحث مطرح در آن‌ها می‌توان تشخیص

داد که کتاب توسط یک نفر نگارش نیافته است، بلکه گویا مباحث تعدادی از کتاب‌ها به صورت تلفیقی در این آثار گردآوری گردیده است؛ برای مثال بنا بر فهرس شیعه می‌توان کتابی را در تفسیر مأثور به علی بن ابراهیم قمی نسبت داد<sup>۴۹</sup> و امروزه نیز کتابی منتسب به وجود دارد، اما با واریسی کتاب، کل مجموعه‌ای را که امروز در دست داریم، نمی‌توانیم به وی نسبت دهیم؛ چرا که به سبب آشفتگی‌های سندی و متنی کتاب، افراد دیگری نیز همچون ابوالفضل عباس، ابی الجارود و علی بن حاتم قزوینی نیز به عنوان نویسندگان اصلی معرفی گردیده‌اند.<sup>۵۰</sup> حال آن که یکی از احتمالاتی که در این میان می‌توان مدنظر قرار داد، عدم انتساب این کتاب به فردی خاص و قرار دادن آن در زمره تألیفات ناسخانه است؛ چرا که به هم ریختگی‌های متنی و سندی می‌توانند به خوبی نشان دهند که این اثر اساساً کتابی تألیفی به حساب نمی‌آید، بلکه ناسخ مجموعه‌ای از روایاتی را که از کتب مختلف در دست داشته است، به متن کتاب افزوده است و از مجموع این افزوده‌ها نسخه‌ای تفسیری را پدید آورده و یا این که اصل اثر مسوده‌ای از یکی از عالمان حدیث بوده که سعی در جمع‌آوری برخی روایات داشته که بعدها به واسطه استنساخ آن رواج یافته است.

کتاب الاختصاص منسوب به شیخ مفید نیز با صرف نظر از این که در کتب فهاس اساساً اثری بدین نام به وی منتسب نشده، از وضعیتی مشابه با تفسیر علی بن ابراهیم برخوردار است؛ زیرا پرش‌هایی که در متن صورت می‌پذیرد،<sup>۵۱</sup> به علاوه ابوابی که مشخصاً معلوم گردیده به افرادی خاص تعلق دارد، حاکی از انتساب اثر به ناسخی ناشناس است. ناگفته پیداست که در این میان فرض‌های دیگری نیز چون به حساب آوردن الاختصاص به عنوان دفتر مسوده‌ای مجهول نیز بعید به نظر نمی‌رسد و می‌تواند در عداد احتمالاتی که در این سنخ کتب وجود دارد مطرح گردد.<sup>۵۲</sup>

۴۹. برای مشاهده انتساب تفسیر به علی بن ابراهیم رک: رجال النجاشی، ص ۲۶۰؛ همچنین جهت مشاهده نقل قول‌هایی از این تفسیر رک: تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۴۹-۵۰؛ اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۲۹۶؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۳۶؛ ج ۴، ص ۱۶۰.

۵۰. برای آشنایی با مخالفان انتساب تمامی کتاب مذکور به علی بن ابراهیم رک: الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۳۰۲-۳۰۹؛ صیانة القرآن من التحریف، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ «درحاشیه دو مقاله»، ص ۵۰.

۵۱. «شیخ مفید و کتاب اختصاص»، ص ۲۱۰.

۵۲. برای اطلاعات بیشتر در زمینه وضعیت اختصاص رک: «شیخ مفید و کتاب اختصاص»، ص ۱۹۱-۲۷۱؛ بررسی‌های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع، ص ۷۰۵-۷۱۸.

## نتیجه‌گیری

آن چه از متون حدیثی امروزه در دست است، همواره صورت اصیل کتاب‌های عالمان گذشته نیست، بلکه بسیاری از متون حدیثی در اثنای تاریخ به واسطه سلسله تصرفاتی که در آن صورت پذیرفته است، به صورت کلی یا جزئی دست خوش تغییرات فراوانی گردیده‌اند. در این بین، نسخه‌نگاران نیز نقشی مؤثر در کیفیت انتقال آثار حدیثی داشته‌اند و چه بسا بسیاری از تصرفات که توسط ایشان صورت پذیرفته است. حال با این وضعیت سؤالی اساسی پیش روی ماست و آن کیفیت رسیدن به متون اصلی نگارندگان اولیه حدیث است. چگونه می‌توان فهمید بخش‌هایی که یک ناسخ در آن دست برده کدام است؟ و چگونه می‌توان صورت اصلی حدیث را باز یابی نمود؟ همه این سؤالات حاکی از نیاز روزافزونی است که امروزه ما در توسعه مطالعات حدیثی نیازمند بدان هستیم. در کنار ابزارهای سنتی، امروزه ما نیازمند استفاده از روش‌هایی نوین در حوزه مطالعات حدیثی هستیم و در این زمینه خاص، برای مشخص نمودن تصرفات صورت گرفته در متون حدیثی روش‌های موجود در نقد متن و بهره‌گیری از مطالعات لایه‌شناسی می‌تواند یاری‌رسان محققان در این امر خطیر باشد. از این رو لازم است تا در حوزه حدیث با شناخت دقیق وضعیت موجود به دنبال شناخت ابزارهایی باشیم که پاسخ‌گوی مشکلات پیش روی ما در مطالعات حدیثی باشند.

## کتابنامه

- ابن حنبل حیاتة و عصره: آراءه و فقهه، محمد ابوزهره، قاهره: دار الفکر العربی، ۱۳۶۷ق.
- الاخبار الدخیلة، محمد تقی شوشتری، تهران: مکتبة الصدوق، ۱۳۵۹ش.
- الاختصاص، شیخ مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- ادب الکتاب، ابوبکر صولی، تحقیق: محمد بهجة الاثری و محمود شکری الأوسی، بغداد: مکتبة العربية، ۱۳۴۱ق.
- اعلام الوری باعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، قم: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ق.
- أعیان الشیعة، سید محسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- الامان من اخطار الاسفار و الازمان، علی بن موسی بن طاووس، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.

- آسیب شناخت حدیث، عبدالهادی مسعودی، قم: انتشارات زائر، ۱۳۸۹ ش.
- آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب، غلامرضا فدایی، تهران: سمت، ۱۳۸۷ ش.
- آشنایی با ویراستاری و نشر، عبدالحسین آذرنگ، تهران: سمت، ۱۳۹۳ ش.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- بررسی های تاریخی در حوزه اسلام و تشیع، حسن انصاری، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- تاج العروس، محمد بن محمد زبیدی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی، نجیب مایل هروی، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
- ترجمه تاریخ یمنی، ناصح بن شرف جرفادقانی، تصحیح: جعفر شعار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
- التصحیف فی متن الحدیث، حیدر مسجدی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۳۲ ق.
- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ش.
- تفسیر و منسوب الی القمی، علی بن ابراهیم قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
- تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، شیخ حر عاملی، قم: مؤسسه آل البيت ع، ۱۴۰۹ ق.
- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- جمال الاسبوع بکمال المشروع، علی بن موسی بن طاووس، قم: دارالرضی، ۱۳۳۰ ش.
- خاتمة المستدرک، میرزا حسین نوری، قم: مؤسسه آل البيت ع لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ ق.
- الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقا بزرگ تهرانی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین، ۱۳۶۵ ش.
- الرسالة المستطرفة، محمد بن جعفر کتانی، تحقیق: محمد المنتصر و محمد الزمزمی الکتانی، بیروت: دارالبشائر الاسلامیة، ۱۴۰۶ ق.
- الرواشح السماویة فی شرح الاحادیث، محمد باقر میرداماد، قم: دارالخلافة، ۱۳۱۱ ق.

- سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: صالح السمر، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.
- شرح ما یقع فیہ التصحیف والتحریف، حسن بن عبد اللہ عسکری، قاہرہ: شرکتہ مکتبہ و مطبعہ مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۸۳ق.
- شرح مقامات الحریری، احمد بن عبد المؤمن شریشی، تصحیح: ابراہیم شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۷ق.
- صیانة القرآن من التحریف، محمد ہادی معرفت، قم: مؤسسة التمهید، ۱۳۸۶ش.
- علل الحدیث، احمد پاکتچی، تہران: انجمن علمی - دانشجویی الہیات دانشگاہ امام صادق علیہ السلام، ۱۳۸۸ش.
- علل الحدیث، محمد باقر بھودی، تہران: سنا، ۱۳۷۸ش.
- علم الاکتناہ العربی الاسلامی، قاسم سامرائی، ریاض: مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات لاسلامیہ، ۱۴۲۲ق.
- فرج المهموم، علی بن موسی بن طاووس، قم: دار الذخائر، بی تا.
- فقہ الحدیث (مباحث نقل بہ معنا)، احمد پاکتچی، تہران: دانشگاہ امام صادق علیہ السلام، ۱۳۹۴ش.
- الفہرست، ابوالفرج محمد بن اسحاق ابن ندیم، تحقیق: ابراہیم رمضان، بیروت: دارالمعرفہ، ۱۴۱۷ق.
- قابوس نامہ، عنصر المعالی قابوس بن وشمگیر، تصحیح: غلامحسین یوسفی، تہران: انتشارات علمی و فرہنگی، ۱۳۸۳ش.
- الکامل فی التاریخ، علی بن محمد ابن اثیر، بیروت: دار صادر، بی تا.
- کپی رایت در کشورہای پیشرفتہ، غلامرضا لایقی، تہران: خانہ کتاب، ۱۳۸۱ش.
- کتاب در پویہ تاریخ، الکساندر استیپچویچ، ترجمہ: حمید رضا آژیرو حمید رضا شیخی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ش.
- الکفایۃ فی علم الروایۃ، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: ابو عبد اللہ السورقی و ابراہیم حمدی المدنی، مدینۃ المنورۃ: المکتبۃ العلمیہ، بی تا.
- المسند، احمد بن حنبل، قاہرہ: دارالحدیث، ۱۴۱۶ق.
- المصعد الاحمد فی ختم مسند الامام احمد، شمس الدین محمد بن محمد ابن الجزری، ریاض: مکتبۃ التوبۃ، ۱۹۹۰م.

- المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیة، ابن حجر عسقلانی، تحقیق: سعد بن ناصر بن عبدالعزیز الشتری، ریاض: دارالعصامة، ۱۴۱۸ق.
- معارج الاصول، محقق حلی، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۳ق.
- معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵م.
- مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
- منیة المرید فی آداب المفید والمستفید، زین الدین بن علی عاملی، تحقیق: رضا مختاری، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- الموضوعات، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن جوزی، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، مدینه: المکتبة السلفية، ۱۹۶۶م.
- نقد متن، احمد پاکتچی، تهران: انجمن علمی - دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸ش.
- نهاية الارب فی فنون الادب، احمد بن عبدالوهاب نویری، قاهره: دارالکتب والوثائق القومية، ۱۴۲۳ق.
- الوافی، محمد محسن فیض کاشانی، اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۴۰۶ق.
- وصول الاخیار الی اصول الاخبار، حسین بن عبدالصمد عاملی، تحقیق: سید عبداللطیف کوه کمری، قم: مجمع الذخائر الاسلامیة، ۱۴۰۱ق.
- هدایة الامة الی احکام الائمة، شیخ حرعاملی، مشهد: انتشارات مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.
- «چهره دیگر محمد بن کرام سجستانی در پرتو سخنان نویافته از او» در ارج نامه ایرج (جشن نامه استاد ایرج افشار)، محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: توس، ۱۳۷۶ش.
- «حق مولف»، دائرة المعارف کتابداری و اطلاع رسانی، به سرپرستی عباس حری، ویلیام زد، ترجمه مدخل توسط فرشته سپهری، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱ش.
- «درحاشیه دو مقاله»، سید محمد جواد شبیری زنجانی، آیین پژوهش، شماره ۴۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۶ش.
- «شیخ مفید و کتاب اختصاص» در مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، سید محمد جواد شبیری زنجانی، شماره ۹۲، قم: کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- «مراحل نسخه شناسی و شیوه های تصحیح نسخه های خطی فارسی» در مجموعه نقد و



تصحیح متون، نجیب مایل هروی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ ش.  
- «نقش ایدئولوژیک نسخه بدل‌ها»، محمد رضا شفیعی کدکنی، نامه بهارستان، شماره اول و دوم، بهار- زمستان ۱۳۸۲ ش.